

# فرخنده باد جشن اول ماه مه

از شماراست. معذک انحاد کارگران سراسرجهان علی رخمه این تظاهرات رند می یابد و تحکم می پذیرد. کارگران پیشرو در احزاب سوسیالیستی متحد میشوند، تعداد عوداران احزاب سوسیالیست به میلیون ها نفر میرسد، و آنها در هر قدم بسه پیروزی کامل برطبق سرمایه داران استوارگر نزدیک تر میگردند.

مازیلا بخشی از اتحاد اول ماه مه ۱۹۰۰ را که بقلم آموزگار بسز در زحمتکش جهان نسیب نگاشته نده و نشان عزی آهنین در برهائی زحمتکش و امیدوی بیژان به پیروزی آنهاست زینت خوش این شماره توفان میگردانیم.

روز اول ماه مه فرا میرسد، روزی که کارگران همهکشورها فراسیدن زندگی آگاهانه خویش را جشن میکنند، اتحاد خویش را در مبارزه با هر نوع زورگویی و ستمگری انسانی برانسان دیگر در مبارزه باخطر رجائی میلیون ها زحمتکش ازگرنکنی، بنیون و ستمدیدی جشن میکنند. در این مبارزه شرکت در وجهان در برابرهم ایستاده است: جهان سرمایه و جهان کارگر. جهان بهره کشی و بررکی و جهان برادری و برابری. دریک سو مشتقی از توانگران تن آسان که کارگاهها و کارخانه ها و افزارهای کارفاشین ها را در جنگال خویش گرفتارند. میلیون ها هتکار زمین و کوههایی از پول را به مالکیت خصوصی خود درآوردند، دولت و ارتش را بدست خویش گماشته و پاد سدارثوت انباشته خویش ساخته اند. در سوی دیگر میلیون هاتن ازحرومان که باید از توانگران التماس کار اشتغالند، با کار خودشان سازند و همه ثروت هسان هستند ولی در سراسر مظاهر ظلمتانی نان رنج میبرند و جهان در جستجوی کارانده کوفی در تنهای صد فائده نیرو و تند رستی خود را در زحمات طاقت فرسا ز دست میدهند و در بیوفله های دها ت و دخمه ها و خرابه های شهرهای بزرگ گریختگی میکنند.

از خواربختی بزرگیزد، کوه جنگل سرسبز میشود، مزارع و چمن بگل می نشینند، آفتاب گرمی بیشتر می بخشد، نشاط تو جوانی در فضا حس میشود، طبیعت جان میگیرد و شادابی می یابد، درست در چنین روزی آنها تصمیم گرفتند آشکارا و سوا پانک رسا به سراسر کیتی اعلام دارند که کارگران آورنده بهار بشریت اند، گمکنده زنجیر سرمایه داری اند، رسالت دارند که جهانی نوین بر بنیاد آزادی و سوسیالیسم بیاورند. . . .

### افتخار جاویدان بولنن کبیر

پرتلاریا و خلق های سراسرجهان صدمین سال ولادت لنین، آموزگار و رهبر راهی خویش را جشن میکنند. بزرگترین چرخش تاریخ، یعنی گذر بیشتر به جامعه سوسیالیستی با نام لنین همراه است. لنین "ناخه انفجارهای انقلاب و بزرگترین استاد رهبری انقلابی بود" (استالین) لنین بود که رنگار آزادی و نسیب جهانی کومونیستی و حزب کومونیست شوروی را بنیابه نخستین حزب طراز نوین طبقه کارگر در زمینه تئوریک و سیاسی و سازمانی، بر سنگ خا و بنیاد نهانته مارکسیسم عصر امپریالیسم را با نوع خویش ابداع کرد، و نخستین دیکتاتوری پرتلاریا را بر پایه قدرت نشانده انتزاع سونیال سوم انتزاعی پیکارجوی انقلابی پرتلاریا بوجود آورد. یادگر لنین بمعنای الهام گرفتن از او، پیروزی او با او و تجدید عهد با اوست.

روزبویست ها و در رأس آنها روزبویست های شوروی نیز سده میلاد لنین را جشن میکنند تا از نام لنین پوششی برای ماهیت خرد لنینی خویش بسازند. مرتدانی که حزبکومونیست شوروی را به حزب بزرگترین بورژوازی و دیکتاتوری پرتلاریا را به دیکتاتوری بورژوازی نخاسته شوروی و دولت سوسیالیستی را بدولت سوسیال امپریالیستی، مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع به همکاری با امپریالیسم امریکا و دوستی با دشمنان خلق بدل دادند، تنبهاکاری که حاصل ده هاسال قهرمانی و جاننازی خلق کبیر شوروی را بر باد داده و پرچم پراختار لنین و استالین را بر خاک افکنده اند اینک میخواهند با امکانات مادی بیشتر خویش سیه روشی خود را با نام لنین رنگامیزی کنند. لنین در ۱۹۰۸ میگفت: "دیالکتیک تاریخ جهان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را دایرینماید که پیاپی مارکسیست درآیند". امروز این دیالکتیک تاریخ بظن اولی در مورد مارکسیسم - لنینسم در همه جا و بویزه در سراسر روزبویست های شوروی صادق است. زیرا که آنها بدون چنین ریاکاری به حفظ قدرت موقت خویش قادر نخواهند بود. بر خلاف استدلال ظاهری و دروغین روزبویست ها میراث دار لنین پرتلاریا و خلق ها و انقلابیون جهان اند نه آنها که مانند ماریس سرکچ نشسته اند.

وفاداری به لنین بمعنای وفاداری به مارکس و انگلس است ازیک سو و به استالین و مسکو و سده دون از سوی دیگر. وفاداری به لنین بمعنای پافشاری در بنیادگذاری و محفوظ حکیم حزب طراز نوین طبقه کارگر، تأمین اتحاد این طبقه با سایر طبقات زحمتکش و تأمین رهبری آن در اتحاد راه قهرامیسز مبارزه و در افتاد به لزوم درهم شکستن ماشین دولتی کپس و استقرار و تقویت دیکتاتوری پرتلاریا، در قبول لزوم ادامه انقلاب در دوران دیکتاتوری پرتلاریا و در پشتیبانی همه جانبه از پیکار های ضد امپریالیستی منطقه توفان ها در اجرائی مودشده" انتزاع سونیالیسم پرتلاریا است. افتخار جاویدان بر لنین کبیر، آموزگار و رهبر راهی زحمتکش جهان برافراشته باد در فتن ظفرنوم مارکس، انگلس و لنین و استالین و مسکو و سده دون.

### زهنمود تعلیماتی

کلیه حوزه های سازمان موظف اند: جلسه یا جلساتی را به یادگر صدمین سال میلاد لنین کبیر اختصاص دهند، سه رساله از آثار کارنامه های او را به وسیله سازمان ما انتشار یافته است و همچنین مقالات شماره مخصوص روزنامه توفان را بویزه و ارتباطاً مسائل سیاسی وایدولوژیک شوئیستی بیعت بکارند.

### دوباره قهرمان انقلابی

"... زمان پرتلاریا در مقابل این عمل ( یعنی نظامی کردن شوین زندگی از طرف امپریالیسم - توفان ) چه خواهند کرد ؟؟ آیا فقط بهر جنگی و هر چیزی که بجنگ منوط است لعنت خواهند فرستاد و فقط مطالبه خلع سلاح خواهند نمود ؟ زمان طبقه ستمکش که طبقه واقعا انقلابی است هرگز بچنین نقش ننگینی تن نخواهند داد. آنها به فرزندان خود خواهند گفت: "توزیوی بزرگ خواهی شد، بتو اسلحه خواهد داد. بگیر و عملیات نظامی را بخوبی بیاموز. این علم برای پرتلاریا ضروری است. اما برای اینکه نظیر جنگ گونی (جنگ اول جهانی - توفان) و طبق نصایحی که خائنین سوسیالیسم بتو میکنند آن را بفرزد برادران خود یعنی کارگران سایر کشورها بگایری بلکه برای آنکه بفرزد بورژوازی کشور خود مبارزه کنی و باستمرار و فخر بجنگ، نه از طریق تامل یا لحسنه بلکه از طریق پیروزی بر بورژوازی و خلع سلاح آن خواهند هی".

### لنین

حملات مسلحانه کجاک و ندینک، مدخله مسلحانه انگلیس و فرانسه و دروغ و افترای طیبواتیک سرود زبان بورژوازی تمام این کژدمهای مودی در خلال یک ربع قرن لایق قطع بر سر حزب ما میبرختند. ولی حزب ما همچون صخره های برجای ایستاده ضربات بیشتر دشمنان را دفع و طبقه کارگر را بجلوه بسوی پیروزی میرد. وحدت و هم پیوستگی مفوق خود را حزب ما در نبردهای شدید آب داد و مستحکم نموده است. یا یگانگی و هم پیوستگی است که حزب بردشمنان طبقه کارگر غالب آمد.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بنا وصیت کرد که یگانگی حزب را مانند مردک چشم حفظ کنیم. سوگند یاد میکنیم بتو رفیق لنین که این وصیت تو را هم با شرف انجام خواهیم داد. . . .

طبقه کارگر سرزوشست سخت و تحمل ناپذیری دارند. مصائب زنجیران دردناک و طاقت فرساست. بردگان و برده داران، سرفها و سرفداران، دهقانان و ملاکان و کارگران و سربایه داران، ستمکشان و ستمکران، بنای جهان از قرنها پیش بدین وضع بوده و بدین وضع هم اکنون در اشریت قاطع شد. ها باقی مانده است. زنجیران در خلال قرنها دهنواورد باارتلاش کرده اند تا پشت خود را از زیر فشار ستمگران خلاص نموده و صاحب اختیار وضع خویش گردند. ولی هیاره منسوب و بدنام، مجبور به عقب نشینی شده اند در حالی که رنج حواری و ذلت و کین و حسرت را در دل خود جای داده و سده آسمان نامعلومی ه امید وایبوند.

### سوگند به لنین

نطق استالین پس از مرگ لنین در دو سیم کنگره شوهای کل اتحاد شوروی در ۲۶ ژانویه ۱۹۲۴

رفقا! ما کمونیستها مردمی از سرشت ویژه ایم. ما از مصالح خاصی برش یافته ایم. کسانی هستیم که سینه سوراخ بزرگ پرتلاریا و سپاه رفیق لنین را تشکیل میدهم. هیچ افتخار بالاتراز تعلق با این سپاه نیست. هیچ افتخاری بالاتراز داشتن نام عصویت حزبه بنیادگرار و رهبران رفیق لنین است. نمیشاید همه کس لیاقت عضویت چنین حزبی را ندارد. همه کس راناب تحمل مصائب و طوفانهای مربوط به عضویت این حزب نیست. فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیازمنازه، فرزندان حرمناهای بی پایان و ساعی قهرمانانه - اینها هستند آن کسانی که مقدم بر همه باید اعضای چنین حزبی باشند: با این علت است که حزب لنینیستها، حزب کمونیستها درین حال حزی طبقه کارگر نامیده میشود.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بنا وصیت کرد که نام بزرگ عضویت حزب را بلنه و پاکیزه نگاه داریم. سوگند یاد میکنیم بتو رفیق لنین که ما این وصیت تو را با شرافت انجام خواهیم داد. . . .

۲۵ سال تمام رفیق لنین از حزب ما پرستاری کرد و آنرا محکم ترین و آبدیده ترین حزب کارگری دنیا بیآورد. ضربات تزارسم و دژخیمان وی و مسخیت بورژوازی و ملاکان،

# درود پر شور به طبقه کارگر و مبارزان ایران

# نظری به گنجینه لنینی

تلخیص صحیحه استالین با هیئت نمایندگی کارگران امریکائی در ۹ سپتامبر ۱۹۲۷

پیش‌بینی یک - چه اصول جدیدی بتوسط لنین و حزب کمونیست عملاً به مارکسیسم اضافه گردید؟

پاسخ - لنین با بسط و تکمیل آموزش مارکس و زشارا جدید مبارزه طبقاتی، چیز تازه ای نسبت بآنچه که توسط مارکس و انگلس داده شده بود و نسبت بآنچه که ممکن بود در دوره سرمایه داری ماقبل امپریالیسم داده شود به گنجینه مارکسیسم وارد کرد و درحالی که این چیز تازه ای که بتوسط لنین به گنجینه مارکسیسم وارد شده است کاملاً و تماماً مبتنی براصول است که بتوسط مارکس و انگلس بیان شده است. از همین لحاظ هم هست که ما میکوییم لنینیسم مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب های پرولتاریائی است. اینک مسائلی چند که لنین ضمن بسط و تکمیل آموزش مارکس در رشتۀ آنها چیزهای تازه ای آورد ما ست: اولاً مسئله سرمایه داری، انحصار و مسئله امپریالیسم که درحله جدید سرمایه داری است. مارکس و انگلس در کتابتال اصول سرمایه داری را تشریح کرده اند. ولی مارکس و انگلس در دوره سیادت سرمایه داری ماقبل انحصار در دوره تکامل تدریجی و موزون سرمایه داری و بسط "مسائل آمیز" آن در سراسر کره زمین زندگی میکردند. این مرحله قدیمی درحدود اواخر سده نوزدهم و آغاز قرن بیستم هنگامی که مارکس و انگلس دیگر حیات نداشتند پایان رسید. خدمت لنین و نابرابر آن چیز تازه ای که لنین در این مورد آورده است عبارت از اینست که او با آنکه با اصول اساسی "کاپیتال" امپریالیسم را بنیابه آخرین مرحله سرمایه داری مورد تجزیه و تحلیل مارکسیستی قرارداد و شرایط و شرایطی حتمی آنرا تشریح نمود. بر اساس این تجزیه و تحلیل بود که اصل مشهور لنین درباره اینکه در شرایط امپریالیسم پیروزی سوسیالیسم در کشورهای واحد و جداگانه سرمایه داری امکان پذیر است بوجود آمد.

ثانیاً مسئله دیکتاتوری پرولتاریا. اندیشه اصلی دیکتاتوری پرولتاریا را بنیابه سیادت سنیاسی پرولتاریا و بنیابه سرنگون ساختن اقتدار سرمایه از طریق جبر و زور، مارکس و انگلس بدست دادند. چیز تازه ای که لنین در این رشتۀ آورده است عبارتست از اینکه الف - او قدرت حاکمه شوروی را بعنوان شکل دولتی دیکتاتوری پرولتاریا کشف کرد و در این مورد از تجربه کمون پارسی و انقلاب روس استفاده نمود. بی - او در فرمول دیکتاتوری پرولتاریا پراگماتی از نقطه نظر متفقین پرولتاریا باز کرد و دیکتاتوری پرولتاریا را بنیابه شکل خاص اتحاد طبقاتی پرولتاریا که رهبر است، با توده های استثمارشونده طبقات غیر پرولتاریائی (دهقانان و غیره) که رهبری شونده هستند، تشریح نمود. ج - او با نیروی خاصی این حقیقت را خاطر نشان ساخت که دیکتاتوری پرولتاریا عالی ترین نوع دموکراسی در جامعه طبقاتی و آن شکل دموکراسی پرولتاریائی است که منعکس کننده منافع اکثریت (استثمارشوندگان) است و برخلاف دموکراسی سرمایه داری که منعکس کننده منافع اقلیت (استثمارکنندگان) است.

ثالثاً مسئله آشکال و طرق ساختمان موقیعت آمیز سوسیالیسم در دوره دیکتاتوری پرولتاریا یعنی در دوره انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم، در کشور است که در احاطه دول سرمایه داری قرار دارد. مارکس و انگلس دوران دیکتاتوری پرولتاریا را دورانی کم و بیش طولانی و پراز زد و خورد های انقلابی و جنگ های داخلی میدانستند که پرولتاریا در خلال آن قدرت حاکمه را در دست دارد و تدریجی و تدریجی اتخاذ مینماید که جنبه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تشکیلاتی دارد و برای برآوردن جامعه سوسیالیستی، جامعه بدوین طبقات و جامعه بدون دولت بجای جامعه قدیم سرمایه داری، شوروی است.

لنین تمام کمال از این اصول مارکس و انگلس پیروی میکرد و چیز تازه ای که لنین در این زمینه آورده است عبارتست از اینکه الف - او امکان ساختمان یک جامعه کامل سوسیالیستی را در کشور دیکتاتوری پرولتاریا که در احاطه دول امپریالیست است بشرطی که این کشور در اثر مدخالات نظامی کشورهای احاطه کننده سرمایه داری دچار اختناق نگردد متذکر است. ب - او طرق مشخص سیاست اقتصادی ("سیاست اقتصاد")

نوعی ("را که بحد آن پرولتاریا با در دست داشتن مواضع مسلط در رسته های حیاتی (صنایع، زمین، حمل و نقل، بانک و غیره) و صنایع سوسیالیستی شده را با کشاورزی پیوند میدهد) ("پیوند صناعت با اقتصاد دهقانی") و بدین طریق تمام اقتصاد ملی را بجنبان سوسیالیسم هدایت میکند. طرح نمود. ج - او طرق مشخص سوق تدریجی و انداختن توده های اصلی دهقانان به مجرای ساختمان سوسیالیستی را از طریق گهرباسین که بزرگ ترین وسیله ای است که دیکتاتوری پرولتاریا میتواند بحد آن اقتصاد کوچک دهقانی را تغییر سازد مان داده و توده های اصلی دهقانان را با روح سوسیالیسم تربیت نماید. طرح نمود.

رایجاً - مسئله سلطه پرولتاریا در انقلاب است و رهبر نوع انقلاب توده ای خواه در انقلاب علیه تزارسم و خواه در انقلاب علیه سرمایه داری. مارکس و انگلس طرح های اساسی نظریه سلطه پرولتاریا را بدست داده بودند. چیز تازه ای که لنین در این مورد آورده است که این طرح های اولیه را با زهم گشتار و بسط داد و آن را به سیستم موزون سلطه پرولتاریا و بسط موزون رهبری پرولتاریا بر توده های زحمتکش شهر داده که نه فقط در امر سرنگونی تزارسم و سرمایه داری بلکه در امر ساختمان سوسیالیستی هنگام دیکتاتوری پرولتاریا نیز وجود خواهد داشت بدل نمود. بطوری که میدانیم نظریه سلطه پرولتاریا از پرتو لنین و حزب او بطور استاندارد ای در روسیه جا به عمل بخود پوشید. ضمناً این واقعیت که انقلاب در روسیه پرولتاریا را بحکومت رساند از اینجانباش می شود. در سابق جمعی کارمندان منوال بود که کارگران هنگام انقلاب رسنگرها زد و خورد میکردند و خون میریزند، رژیم قدیم را سرنگون میساختند، لیکن حکومت بدست بورژوازی افتاد و آنان بعداً کارگران را مورد ظلم و استثمار قرار میدادند. در انگلستان و فرانسه وضع از این قرار بود. در آلمان وضع از این قرار بود. ولی در اینجا یعنی در روسیه وضعیت صورت دیگری بخود گرفت. در اینجا کارگران فقط رهبری ضربه انقلاب نبودند. پرولتاریا روسیه در همین حال که نیروی ضربه انقلاب بود، میکوشید که صاحب سلطه و رهبر سیاسی تمام توده های استثمارشونده شهر و ده باشد و آنان را گرد خود جمع نمود و علاقه و پیوند آنان را با بورژوازی قطع و بورژوازی را از لحاظ سیاسی متفرق سازد. پرولتاریا روسیه در همین اینکه به توده های استثمارشونده سلطه بود، همیشه مبارزه میکرد تا حکومت را بدست خود بگیرد و آن را برای مافع خود طیسه بورژوازی، علیه سرمایه داری مورد استفاده قرار دهد. به همین دلیل هم هست که هر جنبش نیرومند انقلابی در روسیه چه در اکتبر سال ۱۹۱۷ و چه در فروری ۱۹۱۷ شورای نمایندگان کارگران را که نطفه دستگاه جدید حکومت و مامور سرکوب بورژوازی می باشد وارد صحنه نمود.

خاصاً - مسئله ملی و مستعمراتی. مارکس و انگلس که در موقع خود وقایع ایرلند، هند، چین، کشورهای اروپای مرکزی، لهستان و هنگری را تجزیه و تحلیل کرده بود نسیه نظریات اصولی و بدوی را در مورد مسئله ملی و مستعمراتی بدست دادند. اینکه لنین در آثارش باین نظریات بود. چیز تازه ای که لنین در این مبحث آورده است عبارتست از اینکه الف - او این نظریات را در یک سیستم موزونی شتمل بر نظریه های مربوط به انقلابهای ملی و مستعمراتی در عصر امپریالیسم جمع کرد. ب - مسئله ملی و مستعمراتی را با مسئله وازگون ساختن امپریالیسم مرتبط ساخت. ج - مسئله ملی و مستعمراتی را جزئی از مسئله عمومی انقلاب جهانی پرولتاریا اعلام نمود.

سرنجام مسئله مربوط به حزب پرولتاریا. مارکس و انگلس طرح های اولیه را درباره حزب بدست دادند و آن را بنیابه دسته پیش آهنگ پرولتاریا که بدون آن (بدون حزب) پرولتاریا نه از لحاظ بدست آوردن قدرت و نه از لحاظ تغییر ساختمان جامعه سرمایه داری نمیتواند به آزادی و استقلال خود ناقل گردد تشریح نمودند. چیز تازه ای که لنین در این زمینه آورده است عبارتست از اینکه این طرح های اولیه را مطابق با شرایط جدید مبارزه پرولتاریا در دوره امپریالیسم بسط و تکامل

داده نشان داد که الف - حزب نسبت به شکل های دیگر تشکیلات پرولتاریا (انفرادی، ها، گویا سبب ها و سازمان های دولتی) که تارعمیم و هدایت آنها بعهده وی واگذار شده است عالی ترین شکل تشکیلات طبقاتی پرولتاریاست. بنیاد دیکتاتوری پرولتاریا فقط از طریق حزب که بنیابه نیروی رهمنون آن می باشد میتواند عملی گردد. ج - دیکتاتوری پرولتاریا فقط در موردی میتواند کامل باشد که آن را یک حزب و آن هم حزب کمونیست ها رهبری نماید. که سایر احزاب را در رهبری شرکت نمیدهد و نمیتواند بدهد. بدینون یک انضباط آهنین در حزب ممکن نیست و نظایف دیکتاتوری پرولتاریا در سر کوبی استثمار کنندگان و تغییر ساختمان جامعه طبقاتی بجامه سوسیالیستی عملی گردد.

اینست آن چیز تازه ای که لنین ضمن تصریح و بسط و تکامل آتی آموزش مارکس مطابق با شرایط جدید مبارزه پرولتاریا در دوره امپریالیسم در آثار خود آورده است.

لنین و جنک. بقیه از صفحه ۶

در جای دیگر میاوموزد:

"لازم است بویژه از جنبش دهقانی در کشورهای عقب افتاده و علیه مالکان ارضی علیه زمین داران بزرگ، علیه تمام مظاهر و بقایای قنود الیسم پشتیبانی کرد و کوشید به جنبش دهقانی انقلابی ترین خصلت را بخشید."

(تکیه بروری، گماخازما است - توفان)

(لنین: طرح اولیه تزه های مربوطه مسائل ملی و مستعمراتی در اینجا لنین بر روشنی میاوموزد که کوشش های کشورها خاور و طبقه دارند مارکسیسم - لنینم را در شرایطی که اگر کوشش کنند که کشور از دهقانان تشکیل میشود بخاطر برانداختن قنود الیسم و امپریالیسم انطباق دهند، به جنبش های دهقانی "انقلابی ترین خصلت" را بدهند.

آیا از این آموزش لنین "قیام مسلح" در شرایط وضع انقلابی "بیرون میاید؟ آیا این آموزش به این معنی نیست که باید اکثریت اهالی کشور یعنی دهقانان را برای جنگ انقلابی علیه بقایای قنود الیسم و امپریالیسم تجسیر کرد؟

لنین پس از آنکه کمونیست ها را موظفید ارد که دهقانان را علیه بقایای قنود الیسم بسط جنبش برانگیزد و به ایسن جنبش انقلابی ترین خصلت را بدهند اهمیت تجربه ارتش سرخ را در جریان جنگ داخلی در آسیا و سبیری گوشزد میکند. به گفته پرمعنا لنین توجه کنید

"من فکر میکنم که آنچه ارتش سرخ انجام داده، مبارزان تاریخ پیروزی آن برای تمام خلق های خاور دارای اهمیت عظیم جهانی است زیرا که به خلق های خاور زمین نشان میدهد که هراندازه این کشورها ضعیف باشند، هر اندازه قدرتستمرکان اریائی که در مبارزه تمام معجزا تکنیک و فنون جنگی را بکار میبرند غلبه ناپذیر بنظر آید معذک جنگ انقلابی که خلق های اسیرندان دست میزنند، اگر این جنگ بتواند واقعا ملیونها زحمتکش و استثمار شونده را بیدار کند، آنچنان امکاناتی، آنچنان معجزاتی درخود نهفته دارد که آزادی خلق های خاور از هم اکنون از لحاظ عملی کالاً تحقق پذیر است، تحقق پذیر است نه فقط از نقطه نظر ورنجای انقلاب جهانی بلکه از نقطه نظر تجربه نظامی مستقیق که در آسیا و سبیری بدست آمده است، تجربه جمهوری شوروی که از طرف کلیه کشورهای نیرومند امپریالیسم مورد تهاجم نظامی قرار گرفت" (تذیه بروری، گماخازما است - توفان)

(لنین: از همان سخنرانی)

جنگ انقلابی ملی که در کشور ها خاور زمین و از آنجمله کشور ما "ناکره، شرقی و انقلابی" است، جنگ انقلابی که بساری پیروزی آن شرکت توده های وسیع مردم این کشورها شوروی است، جنگ انقلابی که باید نیروی عمده آن را دهقانان تشکیل دهد و آنچه آن قیامی نظام قرون وسطائی و امپریالیسم است، جنگ انقلابی که علی رعم نیرو و توانائی عظیم امپریالیسم و ارتجاع تمام پیر زمین آن نه تنها از لحاظ دورنمای تاریخی بلکه از لحاظ عملی کاملاً تحقق پذیر است، جنگ انقلابی که میتواند و باید از تجربه نیروهای قهرمانانه ارتش سرخ علیه مدخله کران داخلی و خارجی بیاوموزد، اینها است آنچه

بقیه در صفحه ۶

## گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتاری است

# پیروزی خلق کرد در عراق

پیروزی خلق کرد در عراق پس از نه سال نبرد خونین نمیتواند ماه مه و خشنودی هراسان آزاد بخوای نباشد. خلق کردستان از زمان جنگ دوم جهانی در برابر ای احقاق حقوق ملی خویش به قیام برخاسته است. قیام نخستین در سال ۱۳۲۴ در ایران صورت گرفت که بر اثر آن خلق کرد در کشور ما نوانست مدت کوتاهی از حقوق ملی خویش بهره مند گردد. اما این موفقیت دیری نپایید و هجوم شاه و ارتجاع ایران با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و انگلستان به آن پایان بخشید. قدرتی که بر اثر قیام خلق کرد در کردستان ایران پدید آمد از آنجا که پایه محکمی نداشت و برای حفظ نخبه های خویش تدابیری جدی اتخاذ نکرد و بویژه بعثت اوضاع و احوال نامساعد بین المللی، در برابر هجوم دولت مکرری تاب مقاومت نیاورد و خلق کرد هر آنچه را که بدست آورد بیود از دست داد. قیام دوم در کشور عراق آغاز کردیده مدت نه سال پس از استقامت و جانپنازی دنبال شد و به پیروزی انجامید. ثمره آن موافقت نامه ای است مبتنی بر خود مختاری ملی خلق کرد در چهارچوب جمهوری عراق که اخیراً با ماضی دولت عراق رسید. بموجب موافقت نامه مذکور خلق کرد پشاه ملتی در درون کشور عراق همپایه ملت عرب برسمیت شناخته شده است و زبان کردی پشاه یکی از دو زبان رسمی در تمام مدارس تدریس خواهد شد. دانشگاهی در شهر سلیمانیه پدید خواهد آمد. یک نشریه هفتگی، یک مجله و گنج بزبان کردی انتشار خواهد یافت. یک ایستگاه تلویزیون بزبان کردی پخش خواهد کرد. عید ملی خلق کرد برسمیت شناخته میشود. درهای تمام مدارس دولتی بپوی افراد کرد باز خواهد گشت. مقام نیابت ریاست جمهوری کشور به خلق کرد تعلق خواهد داشت. خلق کرد به نسبت جمعیت نمایندگانی به مجلس عراق خواهد فرستاد و غیره و غیره.

این پیروزی خلق کرد بدست نیامد مگر در سایه مبارزه مسلح و مداومت و پایداری در این مبارزه. البته در یکی دو سال اخیر عوامل مساعد دیگری نیز پیروزی وی را تسریع کرد ولی در این میان آنچه که عمده است و آنچه که امکان داد عوامل مساعد تاثیر خود را بخشند همان استقامت در نبرد مسلح بخاطر گرفتن حقوق ملی است. حفظ و دوام و استحکام این دستاورد نیز فقط با نیروی اسلحه میسر است. درست است که این دستاورد خلق کرد در قانون اساسی جمهوری عراق ثبت میشود و بدین طریق تحکیم میگردد ولی نیروهای ارتجاعی به قانون اساسی ولو آنکه خود مدعی و مؤمن آن باشند همیشه پشاهیه ورق پاره ای میگردند که هر موقع ضرورت پیش آید میتوان در آن تغییراتی وارد آورد. نمونه قانون اساسی ایران برای اثبات این مدعی کافی است. اما هرگاه خلق کرد هوشیاری را از دست نهد و پیوسته آماده باشد از دستبرد به حقوق ملی خویش یا زور اسلحه دفاع کند بدون شک هیچ نیرویی نخواهد توانست آنچه را که وی با دادن قربانیهای بسیار بدست آورد از او بریابد.

پیروزی خلق کرد یکبار دیگر این حقیقت را آشکارا نشان میدهد که فقط با جنگ توده امیتوان حقوق بیابال شده خو را چنگ آورد. این حقیقتی است که امروز همه عناصر رادیکالی آنرا دریافته اند. اما روزی نیستی های آرام و بی آزار از دست گرفتن سلاح و مبارزه مسلح و سخت دارند. شاه ایران هر سال که مدتی برای گرفتن حقیقی بیا میخیزد و دست به نظام رانسی میزند با رگبار مسلسل آنها را بر زمین میریزد. چنانچه در رتقل هرات اخیر تهران بازم تعدادی جوان دانشجوی قربانی چنان یات رژیم خون آشام کرد بدند. اما هواداران راه مسالمت آمیز برآند که گویند در در برابر نیروهای شاه قیامی شدن نشانه انتقادی بودن است. اما رگبار مسلسل شاه را با رگباری از گلوله پاسخ گفتن "اوانتوریسم" است و "چپری" است. بیپوده نیست که رادیکالی پیک ایران که در ستایش از پیروزی خلق کرد در سخن میدهد عمده این حقیقت را بدست فراموشی میسازد.

که این پیروزی ثمره جانپنازی قهرمانانی است که نه سال تصام جنگیده اند و خونهای قهرمانانی است که در میدان جنگ پشاک هلاک افتاده اند. از این مضمحلین تلکراف سردمداران "راه مسالمت آمیز" کاسیگین و پادگورنی به دولت عراق است. این آقایان رئیس دولت عراق را تهنیت میکنند برای آنکه مسئله کرد را از راه "مسالمت آمیز" حل کرده است؛ حل مسالمت آمیز مسئله کرد در عراق اعتبار بین المللی جمهوری عراق و دولت آنرا بسا لا میرد. نه سال جنگ خونین خلق کرد برای بکرمی نشانند از حقوق ملی خویش بایست آنچه که جانشینان تزار "حل مسالمت آمیز" مسئله کرد میمانند. این آقایان بجای آنکه خلق کرد را بخاطر استقامت و پایداری ستایش کنند و خلق های دیگر را به پیروی از این نمونه فرا خوانند و رئیس دولت عراق را به خاطر "حل مسالمت آمیز مسئله کرد" تهنیت میکنند. براین منوال باید انتشار داشت که زمامداران شوروی روزی دولت امریکا را بناسبت "حل مسالمت آمیز مسئله ویتنام" مورد ستایش قرار دهند!

برخورد دولت ایران به پیروزی خلق کرد در عراق نمونه ای از دورویی و پیشویی است و دولتی که بنا بر اظهارات نمایندگان

دولت عراق و حزب دموکرات کردستان عراق بمنظور جلوگیری از اضا موافقت نامه خود مختاری خلق کرد در کردستان از یکجا ناکام عراق دست داشتند و دولتی که در سراسر سرزمین خود آزادی را به بند کشیده و حقوق فردی و ملی خلق هزار باشد تمام زیر پا میگارد نمیتواند هوادار آزادی و احترام به حقوق خلق های دیگری باشد. دولتی که هیچگونه حقی برای خلق کرد ( و خلق های دیگر ایران) قائل نیست و مبارزان قهرمان کرد را بخاطر آنکه برای احقاق حقوق خویش بیاخته اند بقسلس میرساند و وحشیگری رانا آن درجه بالا میرود که اجساد آنها را برای "عبرت" دیگران شهر بشهر میگرداند نمیتواند از پیروزی خلق کرد عراق در نعل به حقوق خویش خورسند باشد مضافاً به اینکه این پیروزی و کرد های ایران را برای گرفتن حقوق ملی خویش بازم بیشتر بر می انگیزد و تشجیع میکند. معذک روزنامه اطلاعات، این زبان نیم رسمی شاه و دولت ایران در یکی از سرفاله های خود به ستایش از مبارزات خلق کرد پرداخته و بر برخورداری کردستان عراق را از خود مختاری به "فرم آزادی نژاد" آن تبریک میگوید و بر آنست که "این پیروزی را کردها به قیمت فداکاری جانپنازی و مقاومت دلاورانه ای در نبرد های طولانی با قوای مسلح عراق و... بدست میآورند". آری آزادی خلق های ایران نیز "به قیمت فداکاری و جانپنازی و مقاومت در نبردهای طولانی با قوای مسلح" دولتی بدست میاید. خلق های ایران از این پیروزی انهام میکینند و روش یدوش یکدیگر برای آزادی و بدست آوردن حقوق خویش میسر نبردهای طولانی خواهند پرداخت.

## بدفاع از کنگد راسیون دانشجویان

همان مامورین سازمان امنیت هستند که یکبار آن علیه دانشجویان ایرانی بتحرک و توطئه دست زده اند و همان اویاشان رژیم شاه هستند که قاعدتاً میبایستی معاکمه و مجازات میشدند. ما بارها با ارائه شواهد گوناگونی نشان داده ایم که چگونه این گروه فاشیستی با آزادی عدل در آلمان غریسو اطیش برای سازمان امنیت ایران فعالیت میکند.

اطلاعیه میگوید که: کنگد راسیون دانشجویان از اعصال اویاش سازمان امنیت در کارلسروه و از تحریکات آنها بر ضد کنگره کنگد راسیون به دادگاه آن شهر شکایت کرده است ولی آقای سفیر آلمان در اطلاعیه خود "بشبهه محاکمات ایران" قبال تشکیل دادگاه خود سرانه خود را جانشین دادگاه کرده و به محکومیت کنگد راسیون رای داده است!

اطلاعیه با استناد به مدارجات مجله هفتگی آلمانی موسوم به "اشنتین" تذکر میشود که این آقای سفیر آلمان غریب در ایران سابقاً از عناصر فعال حزب نازی بوده و زیر نظر همپل جز گروه (اس. اس) به سرپرستی یکی از پشترهای تبلیغات سیاسی وزارت امور خارجه حکومت فاشیستی هیتلر اشتغال داشته است و از این جهت وجب نیست اگر به فاشیست های ایرانی محبت و علاقه خاص داشته باشد. سپس اطلاعیه بد رستی باین واقعیت اشاره میکند که: "دولت آلمان غریسو و سرمایه داران آن بخاطر سود های کلانی که از میبستان نصیبشان میکرد اجباراً باید در حفظ رژیم شاه و راضی نگه داشتن آن بکوشند".

مبارزه رژیم کودتا بر علیه کنگد راسیون محصلین و دانشجویان ایرانی بخشی از مبارزه اوست بر علیه جنبش ملی و دموکراتیک نیک خلق ایران؛ از اینجهت دفاع از کنگد راسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در برابر رژیم کودتا وظیفه کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک است. تشدید حملات سازمان امنیت بر کنگد راسیون نشانه حمایت مبارزات این یگانه نماینده دانشجویان ایرانی و تاثیر آنست. بدون تردید این حملات به بنیاد ری توده دانشجویان کمک خواهد کرد و آنها را بیش از پیش در کنگد راسیون متشکل خواهد ساخت. ما برای کنگد راسیون کامیابی های نوین در سازمان دادن نیروهای دانشجویی و دفاع از حقوق آنها و شرکت در جنبش ملی و دموکراتیک خلق ایران خواستاریم.

سازمان جنا پناکار "امنیت" بناسبت کنگره کنگد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی که در اواخر دسامبر و اوایل ژانویه ۱۹۷۰ در شهر کارلسروه آلمان تشکیل شده فتنه انگیزی و توطئه چینی دست زد و برای این کار مزدوران و چاقو کشان خود را بنام اعضا "حزب یان ایرانیست" بمیدان فرستاد. کنگد راسیون محصلین و دانشجویان ایرانی پانچویکات سازمان امنیت با شیوه مبارزه جوانانه روبرو شده چاقو کشان را بجای خود نشانید و علاوه بر اینکه توطئه آنها را طی اطلاعیه فاش ساخت کنگرانس مطبوعاتی ترتیب داد و از اقدامات تبهکارانه و غیر قانونی ساواک پرده برداشت. مقالات و اطلاعیه های دیگری نیز در این زمینه از طرف کنگد راسیون انتشار یافت.

در اطلاعیه شماره ۷ کنگد راسیون چنین گفته میشود: "بدنیال این واقعه سازمان امنیت کوشش کرد که برای جبران این آبروریزی و رسوائی خود همه دستگاههای تبلیغاتی ( روزنامه، رادیو، تلویزیون ) و حتی مجلس شاه را از طریق قلب و انتساب انواع اتهامات به کنگد راسیون جهانی ( که تنها نماینده سازمان متشکل جنبش دانشجویی ایران و تنها نماینده واقعی خواست های دانشجویان مترقی ایران در درون و خارج کشور است ) و فعالین آن بکار بندد. سازمان امنیت ایران که در کلبه هوار و کلبه فعالیت های غیر قانونی خود در کشور های غریب از همکاری پلیس و رژیم های ارتجاعی برخوردار میباشد این بار سعی نمود پس از رسوائی مربوطه واقعه کارلسروه، دولت آلمان غریب را بکله بطلید... سپس اطلاعیه می افزاید که سفیر آلمان غریب لیتفلد در ایسبران بسراغ "رهبر حزب یان ایرانیست" در مجلس رفته ضمن ایراد مراتب ناسد دولت آلمان "بوی قول داد که... از تکرار چنین وقایعی جلوگیری خواهد شد". سفیر آلمان باین هم اشفاف نگرد و اطلاعیه ای تحت عنوان "اطلاعیه سفیر آلمان در باره حادثه کارلسروه" منتشر ساخت و بر دروغ سازی های سازمان امنیت ایران صحنه نهاد.

آنگاه اطلاعیه میگوید: "حزب یان ایرانیست یک حزب فاشیستی است با شعارها و علامت ها و مراسم نازی ها... بان ایرانیست های اروپا که بیزشک بور باصراحت اعلام میدارد " کارلسروه مرکز فعالیت

## پیروز باد جنگ عادلانه خلق لائوس و کامبوج

# تظاهرات دانشجویان و مردم تهران

آتش خشم مردم ایران که گاه و بیگاه زبانه میکشد به دشمنان خلق نشان میدهد که خاموش شدنی نیست گرداننده وسوزاننده روزی که گمانگهان رژیم محمد رضا شاه نقشه نیرنگ آمیزی برای گران تر کردن نرخ اتومبوسرانی شهر تهران کشیدند، هرگز گمان نمیکردند که با عین العمل شدیدی از جانب اهالی مسی مواجه گردند.

ولی کاسه صبر مردم لبریز بود و بانگ اعتراض آنها بلند شد. ابتدا دانش آموزان و دانشجویان از روز ۲۹ بهمن به اعتصاب بی مدت دست زدند و به تظاهرات پرداختند. سپس بازاریان و سایر اهالی تهران به آنان پیوستند. در روزهایی که این تظاهرات جریان داشت مردم از سوار شدن در اتوبوس خودداری کردند و برای اینکه اتومبوسرانی بهگی تعطیل شود اغلب رانندگان و کمک رانندگان حاضر نشدند. در این مدت رانندگی کنندگان نیز علاوه بر تظاهرات مردم پیوستند. از آنجا که هنوز کوشش رژیم به فریاد مردم به همار نبود، برای مردم چاره دیگری نماند بجز اینکه به زور متوسل شوند و با شکستن و واژگون کردن اتوبوسها، تظاهرات خود را به محل غالبتری بکشانند. بنا به اعتراف مقامات دولتی در این مدت بیش از یکصد و بیست اتوبوس شکسته و واژگون و بسیاری ازون پلیس منهدم گردید.

بدین ترتیب تظاهرات مردم تهران به تظاهراتی قهرآمیز مبدل شد. شعارهای آن نیز که ابتدا جنبه اقتصادی داشت به شعارهای سیاسی مبدل گردید. آنها در ابتدا تنها علیه شرکت اتومبوسرانی و پلیس شعار میدادند ولی فریاد رنگ و نفرت علیه دولت و دربار نیز گزرا به کوشش رسید، با ماهورین دولت بارها تصادم روی میداد. یکی از تظاهرکنندگان بعنوان اعتراضیه رژیم شاه خود را در ملا عام آتش زد و چشم دانشجو در جریان تظاهرات بقل رسیدند. ده ها نفر مجروح گردیدند و صدها نفر به بازداشتگاهها و شکنجه گاهها فرستاده شدند.

ولی رژیم شاه بیش از این نتوانست در مقابل خشمخیزان مردم تاب آورد و برای آنکه کار به جاهای وخیم تری نکشاند نشود دستور لغو تصمیمات شرکت واحد اتومبوسرانی را داد. بدنبال این عقب نشینی رژیم شاه، دستکهای تبلیغاتی او گوییدند در این رسوائی تنها مقصدیان شرکت واحد اتومبوسرانی را مفضل قلمداد کنند و این اخراج آنانرا پدیده ای استثنائی در وضع عمومی ایران جلوه دهند. پدیده ای که گویا با "منویات ملوانان" منطبق نیست و نیز این شاه است که گویا در مواقع حساس جلوی این احداثات را میکشد. روزنامه اطلاعات در کمال وقاحت مینویسد که گویا منظور مردم از اینهمه تظاهرات آن بوده است که "توجه شخړه اول ملکت را به اثرات افزایش گزرا به اتوبوس در بالاترین سایزرها و شتاب غیر منطقی که در انتخاب این تصمیم بگرفته است جلب کنند!"

همچنین دستکهای تبلیغاتی شاه میکوشند سیاسی گشتن تظاهرات را گمان کنند، به مردم اندرز میدهند که در این مواقع تنها باید به تظاهرات خاموشی و مسالمت آمیز متوسل شد، به نوشتن عریضه و جمع کردن امضا، بلی شاه اشکاره به مقامات متوسل نیز توصیه میکشد که در تصمیمات خود افکار عمومی را نیز در نظر داشته باشند. سرمقاله نویسنده اطلاعات بدین مقامات چنین رهنمود میدهد: "ولی یک نکته رانی - توان ناگفته گذاشت که در مسائل مربوط به زندگی عادی و جاری مردم باید از طریق طبیعی - یعنی بر اساس عرف و سنن دمکراسی - تصمیم گرفته شود تا موجب برای بروز نگرانیها و عین العمل های تند باقی نماند". کوشی سایر تصمیمات رژیم "از طریق طبیعی ... است. کوشی تنها این تصمیم غیر طبیعی از زیر دست رژیم دررفته است و سایر تصمیمات وی "بر اساس عرف و سنن دمکراسی" اتخاذ شده است.

دستکهای تبلیغاتی شاه همچنین میکوشند آن مره روشن بینی را که حقیقت را دریافته و تظاهرات علیه شرکت واحد را به تظاهرات علیه دولت و دربار مبدل ساخته اند، از سایر

توده ها منفرد سازند. اطلاعات مینویسد: "... طبق گزارشهایی که به دولت رسیده در میان مردم عواملی هم بودند که میخواستند از موقعیت سوء استفاده کنند و این عوامل شناخته شده و مورد تعقیب قرار میگیرند. و در جای دیگر در مورد تظاهرات دانشجویان اضافه میکند: "... طبق این گزارش تحریک مسلم است و جناح تحریک کننده نیز شناخته شده است. رژیم شاه مدعی است که عده ای از "تحریک" گشتگان "را بازداشت کرده است. این بدان معنی است که بازداشت شدگان تنها بخشی از "تحریک گشتگان" میباشند. بنا بر اطلاعات دقیقی که در دست است تعداد این "عده ای" حدود هزار نفر است این نیز بدان معنی است که "تحریک" گشتگان "ده نفر و بیست نفر نبوده بلکه صدها نفر از دانشجو بان و مردم تهران را تشکیل میداده اند و البته این هم بدان معنی است که نفرت شاه و هیات حاکمه جنبه بسیار توده ای دارد. مردم از هزوفرضی برای بیان احساسات فرد ارتجاعی خود استفاده میکنند و در این طریق از دادن گشته و زخمی و زندانی نیز نمهراستند.

تظاهرات اخیر دانشجویان و مردم تهران بار دیگر نشان داد که اگر مردم ایران بخواهند حقوق خویش را به دست آورند باید متحد و یک پا چاره عمل کنند و به زور و قهر توسل یابند.

این تظاهرات بار دیگر نشان داد که تظاهرات شهری با وجود یک در مواقع ضروری باید بدان هادست برد و از آنها بعنوان وسیله ای برای عقب نشاندن دستکاه حاکمه استفاده کرد. بالاخره از جانب قوای نظامی شاه سرکوب میشوند. در شرایط ایران تنها آن قهر انقلابی طولانی که در خارج از شهرها، در روستاها وجود آید، در آنجا اوج و وسعت میگیرد. به محاصره شهرها و در حلقه گرفتن ارتجاع در شهر منتهی شود قهرون به پیروزی خواهد بود.

ما به دانشجویان و مردم قهرمان تهران که بار دیگر داغ تنگ و نفرت بر پیشانی رژیم سرسپرده ایران کوبیدند، درود پرشو و میفرستیم. ما از گتبه سازمانهای شرقی و عناصر میهن پرست دعوت میکنیم که برای افشا جنایات رژیم و برای آزادی کسانی که بخاطر شرکت در این تظاهرات به شکنجه کاههای رژیم افتاده اند مجدانه مبارزه کنند.

## یک فتوای دیگر رویز دیونیستی

سرکرده رویزیونست ها چندی پیش فتوای ده بود که ایراد "اکنون کنوری صنعتی - کشاورزی است یعنی امروز در اقتصاد ایران صنعت در مقام اول است نه کشاورزی" ( مجله دنیا شمار ۳ سال ۱۳۴۶ ) . این فتوای دیگری صادر کرده گفته است: "هدف مرحله کنونی انقلاب آزادی بخش در کشورهای در حال رشد و نواستقلال عبارت از حل تضاد عمیق و روزافزون میان استقلال سیاسی این کشورها از یک سو و ادامه وابستگی اقتصادی آنان به امپریالیسم از سوی دیگر است. تضاد مزبور حادثترین و مهترین تضاد است که میان کشورهای در حال رشد و امپریالیسم وجود دارد. برای حل تضاد مزبور اکثریت کشورهای در حال رشد مانند کشور ما راه رشد سرمایه داری را اختیار کرده اند. ... ( مجله دنیا شماره ۳ سال ۱۳۴۸ ) ( خطکشی زیر کلمات زخود اوست ) . مابرای نشان دادن ماهیت رویزیونستی و سازشکارانه این فتوای پوسیده بیحش تشویرک نمیرد از این بوندگر و اقعیاتی مشهود الفتوی کنیم:

منطبق این فتوای ایران محمد رضا شاه دارای استقلال سیاسی است یعنی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با خروج ۱۹ میلیون دلار و تحریک و نقشه کشی امپریالیست ها و میدان داری عمال سرشناس ارتجاع و استعمار و جاسوسان حرفه ای، با زجر و حبس اعدام ده ها و صدها تن از مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، با برگرداندن شاه فراری براریکه سلطنت برگزیده استقلال سیاسی ایران را تا مین کرده و حال این استقلال

## خوانندگان مینو بسند

روزیونست های شوروی و آلمان غربی :

روزیونست های شوروی ضمن همکاری مستقیم و غیر مستقیم با امپریالیسم آمریکا برای سرکوبی نیروهای انقلابی و خواباندن انقلاب بهاد ر منطقه های توفان گنم گناخی را بجای رسانده اند که حتی از دفاع زخود نیز خود و منجمله آلمان دموکراتیک عاجز میمانند.

دعوت مستقیم مخصوص آلمان غربی و گرفتن جشن در انستیتوی صلح در مسکو نوشتن بازی از خویش رضی مسکورا جلوی امپریالیسم آلمان غربی نشان میدهد.

در زمانیکه امپریالیسم آلمان با بی شرمی ادعای برلین را دارد و انتخابات ریخس ممبر خود را در برلین معین میکند در زمانیکه امپریالیسم آلمان غربی آلمان دموکراتیک را بر سمیت نمیشناسد و بعنوان مختلفی سعی میکند از شناختن آن سر باز زند و در زمانیکه روزنامه های آلمان غربی از دست پرورسورهای خود شکایت می کنند که این پرورسورها برای ارتش آمریکا گروه های آپکش و وسایل نظامی مدرن اختراع میکنند در زمانیکه امپریالیسم آلمان غربی اسرائیل را تقویت میکند که بر علیه خلق عرب بجنگد چه عنوانی غیر از خویش رضی میتوان به سیاست خارجی مسکو که سعی میکند همکاری با آلمان غربی برقرار سازد داد.

روزیونست های شوروی همانطور که به خلق چکسلواکی خیب می کنند و اشتغال نظامی را رو میادارند آگاهانه به خلق آلمان دموکراتیک و قرار داد های پراژگن نیز پشت پامیزند.

### تحریکات پیک ایران :

راد یو پیک ایران دربر نامه سخن پراکی های خود ( در روز یکشنبه برابر اول فوریه ) گفتار در روزی عنوان ماثویتها در داخل و خارج کشور بخش نموده بعد از درونی برداری در باره روابط حسنه چین و امریکا و "بندوست های پشت برده" چنین ادامه داد که آنها در فکر چیدن توطئه و خرابکاری بر ضد اتحاد جماهیر شوروی " این و ضد امپریالیسم هستند. اما اگر با اولین مصاحبه رئیس جمهور امریکا در سال ۱۹۷۰ که در همان روز اول با خبرنگاران خارجی و داخلی صورت گرفت و در اغلب روزنامه های جهان چاپ شد نظری افشکیم متوجه خواهیم شد که :

آقای رئیس جمهور خبر ساختمان و تقویت نیروهای موشکی امریکا را بخبرنگاران داد و گفتن این سلاح ها محافظ امریکا در مقابل چین کمونیست است و امریکا با این سلاح ها قادر است هم پیمانهای خود را در دریای آرام در مقابل کمونسم و چین حفاظت کند.

البته سخنان پیک ایران و صاحب مطبوعاتی نیکسون در یک روز با هم بدون رابطه نیست.

راد یو پیک ایران این موضوع را بخش کرد تا روی گفته های نیکسون سرپوشی گذارد و همه چیز را در کون جلوه دهد. دیگر گیتسه که بحرف رویزیونست های ایران و راد یو پیک آنها کوشد هده کسانی که در خارج از کشور هستند بجای اینکه به اخبار کتاب و بی شیر آنها گوش دهند ترجیح میدهند واقفیت را در لایذی روزنامه های مترقی خارجه جستجو کنند.

در داخل کشور هم اگر هنوز بخاطر حیثیت اتحاد جماهیر شوروی در زمان لنین و استالین جای شک و تردیدی برای مردم در باره سیاست شوروی باقی بود یا نوشته هایی در اطلاعات و کیهان درباره اینکه "ترس از شمال بر طرف شد" "فروتنی اسلحه بیارن" "دعوت پیاپی شاه واشرف به مسکو" "دادن درجه دسرا بجلا د ملت ایران" بر طرف گردید.

و وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم تضاد حاصل شده است تضاد عمیق و روزافزون تضاد مرحله ای ... ؟ آیا این فتوای فتوای آرایش امپریالیسم و ارتجاع نیست ؟ آیا این فتوای تیرنه محمد رضا شاه، این سگان دار "استقلال سیاسی ایران" "بشمار نمی آید ؟ آیا این فتوای لکه های سیاه بر خاطر مقدس شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نمی پاشد ؟ آیا این فتوای حیات بنهخت ملی و دموکراتیک ایران نیست ؟

## رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده ای است

### لنین راه‌گشای علم‌دو

"علم در دوران سیتکاملی خود افراد شجاع زیادی را می‌شناسد که با وجود انواع موانع و علی‌رغم همه چیز توانسته اند کهنه را بشکنند و نور ایجاد کنند. این مردان علم از قبیل گالیله، داروین و بسیاری دیگر مشهور عالمند. و من میخواهم ستم در مورد یکی از بزرگان عالم علم که در عین حال بزرگترین مرد عصر حاضر است سخن بگویم. منظور من لنین، معلم ما و مربی ماست. سال ۱۹۱۷ را بخاطر پیروزی لنین بر اساس تجزیه و تحلیل علمی تکامل اجتماعی روسیه بر اساس تجزیه و تحلیل علمی اوضاع بین‌المللی، با این نتیجه رسید که یگانه راه برین شدن از اوضاع پیروزی سوسیالیسم در روسیه است. این استنتاج برای بسیاری از مردان عالم آن زمان کاملا غیر منتظره بود. پلخانف که یکی از برجستگان علم بود در آن موقع لنین را تحقیر میکرد و میگفت که "هذیان میگوید". دیگر مردان علم که اشتراکشان کمتر نیست اظهار میکردند که "لنین عقلمند کم شده است" و باید او را هر چه ممکن است دور ساخت. آن موقع انواع و اقسام مردان عقلمند لنین که او را یک شخص مخرب علم میدانستند زوزه برانداخته بودند. ولی لنین هر اس نداشت از اینکه برخلاف جریان شنا کند و با کهنه پرستی مبارزه ببرد. و لنین پیروز شد."

### استمالین

لنین در جنگ... بقیه از صفحه ۲ که لنین به کونیستهای کشورهای خاور زمین توصیه میکند و در آن چنانکه می بینید کوچکترین اشاره ای هم به قیام مسلح در شهرها یا دست طبقه کارگر آنها در شرایط "وضع انقلابی" نیست. رفیق مائوسه دون بزرگترین مارکسیست لنینست دوران ما با جمع بندی تجارب ۲۰ سال جنگ انقلابی خلق کبیر چین - جنگی که پیروزی آن در سرنوشته خلق های جهان است در سرنوشته پیروزی سوسیالیسم در مقاس جهانی پیروزیمس از پشت کردن رهبران حزب و دولت شوروی به مارکسیسم - لنینیسم و به انقلاب برای اهمیت عظیم جهانی است - مارکسیسم لنینیسم را تکامل بخشیدند در اثنای ساخت و تازوندنی انقلاب و جنگ انقلابی در کشورهای مستعمره و نیه مستعمریدست داد که پیروزی انقلاب در جمهوری دموکراتیک توده ای ویتنام و هم اکنون موفقیت‌های خلق ویتنام جنوبی علیه امپریالیسم امریکا دلیل بر صحت آنست.

اما برای روزیونیتس ها این آموزش لنین به کونیست های کشورهای خاور زمین آموزش مائوسه دون که تعمیم علمی تجارب حاصل از جنگ انقلابی چین است، پیروزیهای عظیم خلق چین، خلق ویتنام و غیره بر اساس این آموزش، اینها همه گویا در خور توجه و افتنا نیست.

البته روزیونیتس ها میتوانند ده ها سال در انتظار ظهور "وضع انقلابی" بنشینند ولی خلق های ایران و در پیشاپیش آنها حزب انقلابی طبقه کارگر ایران راهی را خواهد پیمود که لنین و مائوسه دون به آنها نشان میدهند تنها این راه است که به پیروزی انقلاب خواهد انجامید.

### سه رساله از لنین

بناسبت سده میلاد لنین آموزش کار راهی زحمتکاران جهان به همه ای مشتمل بر سه رساله زیرین از آثار او در آن از طرف توفان انتشار یافت:

- ۱- "دیاره دولت"
- ۲- "زحمتی دیار" وظایف اساسی انترناسیونال کونیستی"
- ۳- "دیاره انترناسیونال سوم"

آن را از دفتر توفان بخواهید. بها ۳۰ ریال

سوگند به... بقیه از صفحه ۱ وسيله نجاتی از آنجا نیابند، سوخته اند. زنجیرهای پر دکی همواره دست نخورده میماند یا اینکه زنجیرهای کهن برنجیرهای نوین بدل میکند که بهمان اندازه طاقت فرسا و لذت با بود. فقط در کشور ما بود که ستم بدگان و توده های انزای درآمده زنجیر موفسق شدند بار سیادت ملاکان و سرمایه داران را از دوش خود بردند از دست سیادت کارگران و دهقانان آن جانشین آن نمایند شما میدانید، رفا و تمام جهان هم اکنون باین موضوع متوقف است که این مبارزه عظیم را رفیق لنین و حزب او رهبری کرد. عظمت لنین قبل از همه در همین است که با ایجاد جمهوری شورواها، عملاً به توده های ستمکش تمام جهان نشان داد که امید نجات از بین ترفته است، که سیادت ملاکان و سرمایه داران را بقاتی نیست، که سلطنت کار را میتوان با نیروی خود زنجیر پیچید آورد، که سلطنت کارا باید در زمین بوجود آورد. نه در آسمان. بدنیوسیه او آتش امید و آزادی را در قلب کارگران و دهقانان تمام جهان برافروخت. این حقیقت که تمام لنین برای توده های زنجیر و استثمار شونده محبوبترین نامهاست، از همینجا سرچشمه میگردد.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بنا وصیت کرد که در پیشاتوری پروتاریا را حفظ کرده و مستحکم سازیم. سوگند یاد میشیم بتو رفیق لنین که از نیروی خود در ریخ نخواهیم داشت تا این وصیت تو را هم با شرافت انجام دهیم ! ! !

در پیشاتوری پروتاریا در کشور ما بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان بوجود آمد. این اولین پایه اساسی جنگ شورواهاست. بدون وجود این اتحاد ممکن نبود کارگران و دهقانان به پیروزی بر سرمایه داران و ملاکان تامل کردند. بدون پشتیبانی دهقانان کارگران نمیتوانستند سرمایه داران را مغلوب سازند. بدون رهبری از طرف کارگران و دهقانان نمی توانستند ملاکان را مغلوب کنند. تا ما تاریخ جنگ اخل کبیر ما را این حقیقت است. ولی به پایان مبارزه برای تحکیم جمهوری شورواها هنوز خیلی مانده است. این مبارزه فقط شکل جدیدی بخود گرفته است. سابقاً اتحاد کارگران و دهقانان شکل اتحادی نظامی داشت زیرا این اتحاد علیه کولچاک و در نژدین متوجه بود. اکنون اتحاد کارگران و دهقانان باید شکل همگامی اقتصادی بین شهر و ده، بین کارگران و دهقانان را بخود بگیرد زیرا این اتحاد علیه تاجر و کولت توجه است، و هدف آن تامین منقایل کلیه حوائج دهقانان و کارگران می باشد. شما میدانید که هیچکس بعد رفیق لنین در اجرای این وظیفه پافشاری نمیکرد.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بنا وصیت کرد که با تمام قوا اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم سازیم. سوگند یاد میشیم بتو رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد ! ! !

دومین پایه جمهوری شورواها اتحاد زحمتکاران ملیتها شور ماست. روسها و اوکرائینی ها، باشقیرها و بلوروسها، کرجی ها و آذربایجانی ها، ارمنی ها و داغستانی ها و تاتارها و قرقیزها، از آنها و ترکمن ها، همه آنها بطوریکسان بتحکیم و پیشاتوری پروتاریا علاقتند هستند. نه تنها در پیشاتوری پروتاریا این ملت ها را از زنجیر و ظلم خلاص میکنند، بلکه این ملتها نیز با صداقت و صمیمیت به ریخ خود نسبت به جمهوری شورواها آمادگی خود برای جانشینی در امان، جمهوری شورواها را از دستبرد و دستبرد دشمنان طبقه کارگر در امان نگاه میدارند. باین علت است که رفیق لنین لزوم اتحاد و اوطیانه ملت های کشور ما، لزوم همکاری برادرانه آنها را در قالب جمهوریها بطور خستگی ناپذیری با کوشش میکرد.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک می نمود بنا وصیت کرد که اتحاد جمهوریها را مستحکم کنیم و بسط دهیم. سوگند یاد میشیم بتو رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد ! ! ! سومین پایه دیکتاتوری پروتاریا، ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ ما میباشد. لنین بارها بنا میگفت که نفسی که ما از کشور های سرمایه داری بدست آورده ایم مثل است کوتاه مدت باشد. لنین بارها بنا خاطر نشان میکرد که تحکیم ارتش

### سیاست روزیونیتسکی

"کسی که پس از تجربه اروپا و آسیا از سیاست غیر طبقاتی و سوسیالیسم غیر طبقاتی دم بزند او را فقیای بد نفس نهد و درنگار کار کنگوری استرالیایی بجزر بنمایش گذارد."

### لنین

سرخ و بهبود وضع آن یکی از مهمترین تکالیف حزب مایمانند. حوادث مربوط به اتمام حجت کوزن و بحران آلمان، یک بار دیگر ثابت کرد که بازممانند همیشه حق به جانب لنین بود. بیس سوگند یاد کنیم، رفا که ما از نیروی خود برای تحکیم ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ خود در ریخ نخواهیم داشت.

کشور ما که در اقیانوس دلتنها ی بورژوازی احاطه شده همچون صخره عظیمی بر پای ایستاده است. امواج انزای امواج روی آن غلظیده و بفرق شدن و سائید شدنش تهدید می نماید. ولی این صخره همچنان خلل ناپذیر بر جای مانده است. نیروی آن در چیست؟ نیروی آن تنها در این نیست که کشور ما براتحاد کارگران و دهقانان استوار است و تجسمی است از اتحاد ملیت های آزاد و دست نیرومند ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ از آن دفاع مینماید. نیروی کشور ما، استحکام آن و استواری آن در اینست که در قلب کارگران و دهقانان تمام جهان حس همدردی و رف و پشتیبانی خلل ناپذیری نسبت به آن وجود دارد. کارگران و دهقانان تمام جهان میخواهند جمهوری شورواها را بشابه تیریک از دست صائب رفیق لنین بسوی ارد و کاه دشمنان رهانند. است، بهمانه تکیه کاه امیدوار بهای خود برای خلاصی از زیر بار ظلم و استثمار و بهمانه رهنمای صحیحی که راه خلاصی را به آنان نشان میدهد. حفظ نمایند. آنها میخواهند آنها حفظ نمایند و نخواهند گذارد که ملاکان و سرمایه داران منهدمش سازند. نیروی ما در اینست. نیروی زحمتکاران تمام جهان در این است. موضع بورژوازی تمام جهان نیز در همین است.

لنین هیچگاه به جمهوری شورواها بمنزله کمال مطلوب نگاه نمیکرد. او همیشه آنها بمنزله حلقه ضروری برای تقویت جنبش انقلابی در شورواها و باختر و خاور و بمنزله حلقه ضروری برای تسهیل پیروزی زنجیران تمام جهان بر سرمایه سیکریست. لنین میدانست که فقط اینگونه فهم طلب است که نه تنها از نقطه نظر بین المللی، بلکه از نقطه نظر رفا خود جمهوری شورواها نیز صحیح میباشد. لنین میدانست که فقط بدنیوسیه میتوان قلوب زنجیران تمام جهان را برای مبارزات قطعی در راه آزادی مشتعل نمود. باین علت بود که او - نابشترین پیشوایان نابغه پروتاریا و در همان فردای دیکتاتوری پروتاریا شالود و مانترنا - سهیونال کارگران را ریخت. باین علت بود که او از تسلط و تحکیم اتحاد زنجیران تمام جهان انترناسیونال کونیست مستکی نداشت شما طی این روزها دیدید که چگونه ده ها و صدها هزار زحمتکش بزیارت ثابت رفیق لنین می آمدند. پس از آنکه زمانی شما خواهید دید که چگونه نمایندگان میلیونها زحمتکش برای زیارت آرامگاه رفیق لنین خواهند آمد. میتوانی یقین داشته باشید که از پس این نمایندگان میلیونها و بعد ها سلی از نمایندگان دهها و صدها میلیون نفر از تمام انان عالم رؤا و خواهند شد تا گواهی دهند که لنین فقط پیشوای پروتاریا روسیه، فقط پیشوای کارگران ارضاء، فقط پیشوای خاور مستعمر نبوده بلکه پیشوای زحمتکاران تمام کره ارض نیز بود.

هنگامیکه رفیق لنین ما را ترک میکرد بنا وصیت کرد که باصل بین الملل کونیست وفادار باشیم. سوگند یاد می - کنیم بتو رفیق لنین، که ما از جان خود در ریخ نخواهیم داشت تا اینکه اتحاد زنجیران همه جهان یعنی انتر - ناسیونال کونیست را مستحکم سازیم و بسط دهیم ! ! !

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY  
حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

### به پیش در زین درفش طبقه کارگر

# لنین و جنگ توده‌ای

که سیر تکامل سرمایه داری را در عقب مانده ترین کشورها تسریع میکند و از اینراه مبارزه علیه ستم ملی را تسریع میدهد و دولت می بخشد . این یک واقعیتی است و از آنجا تاگزیر این نتیجه حاصل میاید که امپریالیسم باید در موارد عدیده موجب پیدایش جنگهای ملی شود . . . .

نقی امکان وقوع جنگهای ملی در دوران امپریالیسم از لحاظ تئوری نادرست است از لحاظ تاریخی اثبات آنکه از لحاظ عملی بسیاری با شونیسیم اروپائی است . ( لنین : برنامه جنگی انقلاب پروتلاریائی )

لنین در جای دیگر جنگ ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره را علیه امپریالیسم " تاگزیر و شرقی و انقلابی " می شمارد و آنرا نتیجه اجتنابناپذیر سیاست امپریالیستی میدانند . " در دوران امپریالیسم جنگهای ملی از طرف کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره نه فقط محتمل بلکه تاگزیر است در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ( چین - ترکیه - ایران ) نزدیک هزار ملیون نفر یعنی بیش از نیمی از از سکنه روی زمین زندگی میکنند . جنبشهای آزادی بخش ملی در اینجا یا خیلی نیرومند است و یا توسعه مییابد و رسیده میشود . هرچند ادامه سیاست استیلا و مسائل دیگر . ادامه سیاست آزادیبخش ملی مستعمره است تاگزیر از جانب این کشورها به جنگهای ملی علیه امپریالیسم منجر میگردد ."

( لنین : درباره تشریح بیوشیسم )

لنین میآموزد که جنگ انقلابی ملی به پیروزی کامل منتهی انجامد هرگاه وسیعترین توده های مردم این کشورها در آن شرکت جویند و برای آزادی و استقلال خود متحد آ مبارزه کنند ، یا آنکه شرایط بین المللی بحال انقلاب مساعد باشد و امکان هرگونه عملیات یا لاش عملیات جدی را از امپریالیست ها سلب کند و بالاخره یا آنکه همزمان با جنگ انقلابی ملی در مشرق و پروتلاریا علیه بورژوازی به قیام برخیزد . توجه کنید :

" جنگهای ملی علیه دولت های امپریالیستی نه فقط ممکن و محتمل است بلکه تاگزیر و شرقی و انقلابی است اگر چه سرانجام برای موفقیت آنها یا اتحاد مساعی تعداد عظیم سکنه کشورهای اسیر لازم است ( صد ها ملیون در نمونه چین و هند که نگر کردیم ) یا ترتیب پیروزی مساعد شرایط وضع بین المللی ( مثلا فلج شدن مداخله دولتهای امپریالیستی در نتیجه ضعف شدن آنها ، جنگ آنها ، آناکونیسیم آنها و غیره ) و یا قیام همزمان پروتلاریائی یکی از دولتهای بزرگ علیه بورژوازی ( این حالت اخیر در شما رخ ما از این نقطه نظر که برای پیروزی پروتلاریا مطلوب و سودمند است در سرلوحه قرار میگیرد . )

( لنین : درباره تشریح بیوشیسم )

روشن است که در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره اکثریت اهالی با دهقانان است و دهقانان در واقع نیروی عمده جنگتوده ای را تشکیل میدهند . لنین میآموزد و تجربه انقلابات کشورهای خاور نشان میدهد که جنبش انقلابی آنگاه به ثمر میرسد که حزب طبقه کارگر دهقانان را بسیج و تشکل و مسلح ساخته علیه بقایای فئودالیسم و امپریالیسم بر طبق قوانین جنگ توده ای به نبرد بکشد . لنین این اندیشه را در سخنرانی خود خطاب به نمایندگان سازمانهای کمونیستی خاور زمین با عبارات صریح و روشن بیان میدارد :

" در اینجا در برابر شما وظیفه ای قرار گرفته است که قیام در برابر کمونیست های سراسر جهان قرار گرفته بود : با تکیه بر تئوری و پراتیک عام کمونیستی شما باید . . . بتوانید این تئوری و پراتیک را بر شرایطی انطباق دهید - هنگامی که باید وضع مبارزه را نه علیه سرمایه بلکه علیه بقایای نظام قرون وسطائی انجام داد . این وظیفه حاضر و دشواری است ولی شمر خنتر است زیرا که آن توده های مبارزه کشانید میشود . کما کون در مبارزه شرکت نکرده است . . ."

" قیام مسلح " در شرایط " وضع انقلابی " آنگونه که در آثار لنین آمده و بد انسان که طبقه کارگر روسیه تحت رهبری لنین برای پیروزی انقلاب بدان دست زد . آنجیزی است که رویزیو نیست های حزب توده ایران در انتظار آندند . آنها در انتظار پیدایش " معجزه " وضع انقلابی " نشسته اند . معجزه برای آنکه احتمال جمع آمدن شرایط وضع انقلابی در ایران آن اند از ناچیز است که پیدایش آن به معجزه بیشتر شباهت دارد و تا زمان پیدایش چنین معجزه ای رژیم نیکت بار کونی هنگامی بر مرکب مراد سوار است و توده های مردم ایران در زیر فشار مستم آن همچنان دست و پا خواهند زد . تئوری " قیام مسلح " در شرایط " وضع انقلابی " که رویزیویست ها از آن دم و هشتناکی ساخته و محکم بدان چسبیده اند ، در دست این مردمان سیک منحرف ساختن توده ها از مبارزه انقلابی و در نتیجه حفظ حراست شاه و رژیم اسارت باری است که با دست او وامپریالیسم میگردد ."

ممکن است تصور رود که تئوری لنینی " قیام مسلح " در شرایط " وضع انقلابی " در زمره آن اصول جهانشمول مارکسیسم لنینیسم است که در همه جا ، همه وقت و همه شرایط حقیقت دارد و باید بر طبق آن عمل کرد . اما تجربه انقلابات کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره آن انقلاباتی که به ثمر رسیده و هم اکنون به استقرار دیکتاتوری پروتلاریا منجر گردیده است ثابت میکند که این تئوری جهانشمول نیست و میتوان و باید قیاسم مسلح را در کشورهای تغیر ایران بمبوزه در شرایط احتیاط و فشار کونی با جنگ انقلابی جانشین کرد ."

لنین نه تنها هیچگاه از این تئوری دم نساخته است بلکه در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره " خاور " همه جا از جنگ ملی و جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و بقایای نظام قرون وسطائی سخن بیان میآورد و توجه خود را به دهقانان که " توده عمده " سکنه این کشورها را تشکیل میدهند معطوف میدارد . به آموزش لنین توجه کنید :

" یکی از مهم ترین خصوصیات امپریالیسم اتفاقا اینست شد لنین بخواند " صد شورای کیسره های خلق " در خطبایه ای بنام زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین چنین نداد : " ما اعلام میداریم که قرارداد تقسیم ایران از هم دیده و نابود شده است . از جانب روسیه و دولت انقلابی روسی ستمی متوجه شما نیست بلکه از جانب امپریالیست ها یعنی آنهاست که میبشن شمار این مستعمره حقاقت دیده و چپاول کشیده خویش میدل ساخته اند ."

نخستین سفیر دوستی و برادری که دولت لنین با ایران فرستاد پترو گریگور ویرالیسم و ارتجاع بقول رسید . ولی هیچ نیروی قادر نبود ندای نیرومند نخستین دولت کارگران و دهقانان روسیه را در ایران ناشنیده بگذارد . بالاخره قرارداد پیشین شوری در ۱۹۲۱ مورد قبول قرار گرفت و دولت ایران برای نخستین بار در قرن نوزدهم و بیستم بخواند طرف مساعی - الحاق دریای قرارداد است که بخوان استقلال او براند از نوکا - پیتولاسیون و گلبه امتیازات تزاری در ایران بود امضا گذاشت . برای آنکه منظره وسیع تری از یاری لنین بنهخت ملی و دموکراتیک خلق ایران داشته باشیم باید به آموزشهای لنینی که خلق ایران و خلق های سراسر جهان را با سلاح پیروزی بخش لنینیسم مجهز ساختن توجه کنیم . باید به عظمت انقلاب کبیرگه تحت رهبری لنین در جبهه امپریالیسم و استیلا شکاف انداخت و ندیاتی نوین بر روی خلق ایران و خلق های سراسر جهان گشود بید بیدیم . باید این واقعیت را از نظر بگذرانیم که در انقلاب ایران چه در دوره اول و چه در دوره دوم و انقلاب بین سوسیال دموکرات روس برادرواره ما : دست خلق ایران شتافتند و چه بسیار از آنها که بخاطر دفاع از انقلاب ایران برخاک افتادند ، و این فداکاری و جانباوری آنان نتیجه سیاست انترناسیونالیستی حزب سوسیال دموکرات روسیه برهبری لنین بود ."

از اینجهت نام لنین برای خلق ایران پیوسته نامی محبوب و یاد آور آینده ای سعادت مند بوده و هست . افتخار جاویدان برلنین کبیر .

# لنین و ایران

نام بزرگ لنین با نهضت دموکراتیک و استقلال طلبانه خلق ایران بهم پیوسته است . پس از ده ها سال ( تقریباً از اوایل دولت قاجار ) که میهن زخمیده و ناتوان ما در زیر ضربات دول امپریالیستی روسیه و انگلستان قرار داشت نخستین دولت بزرگی که دست برداری بسوی او دراز کرد دولت لنین بود . پس از ده ها قرارداد امپریالیستی ( مانند قرارداد گلستانه و ترکمانچای و قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ ) که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پیمانهای تحمیل شد نخستین قرارداد برادرانه و مبتنی بر مساوات را ( قرارداد ۱۹۲۱ ) دولت لنین برای وی با رفغان آورد .

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هیچ حداتی در صحنه جهان نبودند تراز صدای لنین بدفاع از حقوق خلق ایران برخاسته است . " در ایران تجد انقلاب روی داده است . . . ارتش تزار روس . . . بعد از قهرمانی هائی که در تیرباران ، انتفاجویی ، سرکوب و چپاول در روسیه صورت گرفت اینک همان قزاق ها در سرکوب انقلاب ایران به قهرمانی مشغول اند . . . اما مبارزات سرسخت در تیریز ، تغییر مکرر موقعیت جنگی بیفغ انقلابیون که بنظر می آید شکست سختی خورده اند نشان میدهد که در آوردن ستم شاه با وجود حمایت لیاخوف روسی و بیملات های انگلیسی بمقاومت سختی از پائین برخوردارند . . . چنین جنبش انقلابی . . . ممکن نیست خفه شود ."

این صدای لنین بود که بگوش زحمتکشان جهان می رسید . این صدا در موقعی ظنین می انداخت که انقلاب بین تهریز برهبری ستارخان با قوای استبداد دیکر نبرد خونریز بودند و ارتجاع و امپریالیسم میخواستند فریاد آنها را در خون خفه کنند .

لنین مبارزه برای رهائی روسیه را از مبارزه برای رهائی ایران و سایر کشورهای تحت سلطه تزاریسم جدا نمیدانست زیرا که بقول مارکس و انگلس " خلقی که بر خلق های دیگر ستم روا میدارد نمیتواند خلقی آزاد باشد . " لنین بر آن بود که تا امپریالیسم تزاری باقی است خلق روس همانقدر برده خواهد بود که خلق ایران . لنین در آغاز جنگ اول جهانی که کشور ما بار دیگر میدان تاخت و تاز قشون تزاری بود چنین می نوشت : " ما روس ها " از بردگی در پیروزی خود ( که اعیان ملاک دهقانان روس را برک ، مختنق ساختن آزادی مجارستان ، لهستان ، ایران و چین بچند بیبرند ) و از بردگی امروز خود ( که همان ملاکان بیاری سرمایه داران ما را برای مختنق ساختن لهستان و اوکراین ، برای سرکوب نهضت دموکراتیک ایران و مصر بچند میکشاند ) . . . پیروزی نفرت داریم ."

لنین هیچگاه از افشا جنایات امپریالیست ها و بخصوص امپریالیست های روس نسبت به ایران و سایر ممالک استعمار زده آسیا باز نایستاد .

" همه دنیا میدانند که ده ها سال است که تزاریسم در روسیه بسرکوب بیش از صد ملیون نفر از افراد سایر ملیتها مشغول است تا ده ها سال است که روسیه به اعمال سیاست راهزانه بر علیه چین ، ایران ، ارمنستان ، کالیسی میادرت میجوید ( قوریه ۱۹۱۶ )

لنین سال ها پیش از پیروزی انقلاب کبیرا شرح سیاست خارجی دولت کارگران و دهقانی را بر روشنی بیان کرده بود : " ما خواستار روسیه ای آزاد و مستقل ، دموکراتیک و جمهوری هستیم که مایه میاهات روس ها باشد ، روابط خود را با همسایگان بر مبنای برابری بنیاد نهد نه بر مبنای اصل قرون وسطائی امتیاز طلبی که موجب تقزول این ملت بزرگ میشود "

و پس از آنکه دولت کارگران و دهقان در روسیه مستقر

زنده و پیاپی سنده باد آموزش پر نبوغ لنینی